

مباحثه
هم‌میهن

گفت‌وگوی «هم‌میهن» با احمد زیدآبادی در مورد گزینه‌های ایران در بحران کنونی خاورمیانه:

باید اجازه اظہار نظر داده شود

تهران در مقابل گزینه‌های بدو ب... بسیار بدتر مخیر شده است



عبدالمجید - The Middle East Eye



فرصتی دیگر به دیپلماسی



پال سالم

معاون اندیشکده
موسسه خاورمیانه

بعد از حمله محدود هفته گذشته اسرائیل به ایران و تمایل واضح تهران به جذب این ضربه بدون عملیات انتقامی جدی، به نظر می‌رسد که منطقه خاورمیانه از آستانه یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای عقب‌نشسته است. برای این منظور باید از دولت ایالات متحده آمریکا تمجید کرد که تلاش بسیاری به خرج داد تا دولت اسرائیل را قانع کند به اهداف هسته‌ای و تاسیسات انرژی ایران حمله نکند و اقدام وسیعی انجام ندهد که واکنش تلافی‌جویانه ایران را ضروری کند. تصمیم اسرائیل به انتخاب مسیری که باعث تشدید تنش با ایران نشود، این امید را ایجاد کرد که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، پس از بیش از یک سال جنگ، می‌خواهد این دور از نبرد را تخفیف دهد.

بلافاصله پس از این موضوع، تلاش‌های بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ‌های (متصل به هم) در لبنان و غزه از سرگرفته‌شد و پیشرفت‌هایی به سمت راهکاری قابل مذاکره برای هر دو منازعه به دست آمد. در لبنان، متحدان حزب‌الله و آنچه از دولت لبنان باقی مانده است، یافشاری می‌کنند که آمادگی دارند قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد را اجرایی کنند. چنین اقدامی مستلزم گام‌هایی شامل آتش‌بس (بدون توجه به وضعیت جنگ غزه)، عقب‌نشینی نیروهای حزب‌الله به شمال رودخانه لیتانی و اعزام جدی‌تر ارتش تقویت شده لبنان به علاوه نیروهای موقت سازمان ملل متحد در لبنان (UNIFIL) به منطقه جنوب لبنان است. اسرائیل بر برخی شروط بیشتر اصرار دارد، اما آموس هوکشتاین، فرستاده ویژه آمریکا با سفرهای متعدد به دو پایتخت، تلاش می‌کند تا به یک معامله دست پیدا کند. در غزه، ممکن است که آتش‌بس نهایی هنوز دور از دسترس باشد، اما گفت‌وگوها در حال نزدیک شدن به دست‌کم توقف‌های کوتاه‌مدت در جنگ به ازای آزادی آسرای اسرائیلی در دسته‌های کوچک به ازای آزادی بازداشت‌شدگان فلسطینی است.

سوال مهمی که اکنون در منطقه می‌چرخد این است که به ازای تضمین حمله محدودتر اسرائیل نسبت به آنچه در طول هفته‌های گذشته سخن گفته می‌شود، از طریق کانال‌های مخفی با ایالات متحده و یسا از طریق واسطه‌ها، ایران چه امتیازهایی داده است یا اساساً آیا امتیازی داده است؟ یکی از نشانه‌ها در این مورد موضعی است که اشاره شد حزب‌الله با متحدانش در میان گذاشته است. تصورش سخت است که هوکشتاین پیشنهادهای را برای اسرائیلی‌ها برده باشد که فقط شامل عقب‌نشینی حزب‌الله از منطقه مرزی باشد. قاعدتاً او باید تضمین‌هایی هم در مورد توانمندی‌های نظامی آینده حزب‌الله و مواضع این گروه در منطقه گرفته باشد. بعد از سال ۲۰۰۶ حزب‌الله نسبت به گذشته بسیار قوی‌تر شد، اسرائیل امیدوار است که این تجربه دیگر تکرار نشود. در عین حال ممکن است تهران برای اینکه در جایگاه بهتری برای اجتناب از عواقب منفی در رابطه با واکنشگتن قرار بگیرد، لحن آشتی‌جویانه‌تری در پیش گرفته باشد. این اقدام ممکن است با این هدف باشد که فرصت‌هایی برای مذاکره بعد از انتخاب رئیس‌جمهور جدید در آمریکا وجود داشته باشد.

تا همین چند روز پیش، بسیاری در جای‌جای خاورمیانه تصور می‌کردند که جنگ غزه و لبنان، پیش‌زمینه‌ای برای یک جنگ بزرگ و قاطع میان ایران و اسرائیل است که می‌تواند خلیج فارس و فراتر از آن را نیز در بر بگیرد. امروز به دیپلماسی و تلاش‌های دیگر برای جلوگیری از یک جنگ چندجبهه‌ای وسیع، فرصتی دیگر داده شده است.



آرمین منتظری

دبیر گروه بین‌الملل و
دیپلماسی

با گسترده‌تر شدن جنگ غزه به لبنان و استمرار مواجهه نظامی ایران و اسرائیل، نگرانی‌ها در مورد آینده منطقه تشدید شده است. احمد زیدآبادی، تحلیل‌گر مسائل منطقه معتقد است که ایران باید تحول اساسی در رویکرد خود در منطقه ایجاد کند. به اعتقاد زیدآبادی باید اجازه داده شود تا تحلیل‌گران و صاحب‌نظران در مورد انتخاب بهترین گزینه‌ها از سوی ایران اظهار نظر کنند و فضای گفت‌وگو و تضارب عقاید در مورد راهکارهای پیش رو ایجاد شود. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «هم‌میهن» را با احمد زیدآبادی، تحلیل‌گر مسائل منطقه مطالعه می‌کنید.

زمانی که حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ اتفاق افتاد، موضع جمهوری اسلامی ایران این بود که جنگ غزه، جنگ فلسطینی‌ها است و ایران در آن نقشی نداشته است. مقام معظم رهبری هم در سخنرانی ۱۸ مهر خود گفتند که «این کار، کار خود فلسطینی‌ها است». اما بعد از گذشت یک سال، به تدریج این جنگ به رویارویی مستقیم ایران و اسرائیل تبدیل شده است. بر اساس روندهایی که در یک سال گذشته رخ داد و به این نقطه رسیدیم، آیا تصور می‌کنید که میزان تنش، به‌ویژه تنش مستقیم میان ایران و اسرائیل، افزایشی است یا اینکه به نقطه‌ای رسیده‌ایم که این تنش‌ها رو به کاهش می‌رود؟

در مورد مقدمه سوال‌تان این نکته را عرض کنم، اینکه ایران تلاش کرد خودش را از این جنگ جدا کند، ناشی از این بود که رابطه ایران و گروه‌های تحت حمایتش در منطقه به لحاظ حقوقی تعریف مشخصی ندارد...

منظورتان دقیقاً از تعریف حقوق چیست؟ به هر حال ایران علناً اعلام کرده است که از این گروه‌ها حمایت می‌کند، در همان سخنرانی مقام رهبری هم دقیقاً در همان سخنرانی تأکید می‌کنند که «ما از مبارزات دفاع می‌کنیم» و گروه‌های تحت حمایت ایران هم به حمایت ایران معترف هستند.

من هم دقیقاً همین را می‌خواستم بگویم. عرض می‌کردم که تفکری در ایران هست که می‌گوید هر مسلمان دیندار مخالف آمریکا و اسرائیل، پیرو ایدئولوژی جمهوری اسلامی است و فرقی نمی‌کند که در کجای دنیا زندگی کند، چه در لبنان، چه در نیجریه، چه در فلسطین و چه در افغانستان بخشی از امتی هستند که ما هم متعلق به آن هستیم اما در تعریف دولت-ملت یا Nation-State معمولاً رابطه یک دولت با گروه‌های خارج از مرزهای تعریف‌شده سیاسی و جغرافیایی محل مناقشه است، هر رابطه‌ای نمی‌توان میان یک دولت و یک بازیگر غیردولتی در خارج از مرزها برقرار کرد. تا وقتی ماهیت این رابطه نامشخص باشد، مرتباً وضعیت ابهام وجود دارد که به لحاظ حقوقی این رابطه چه وضعیتی دارد.

در مورد سوالی که پرسیدید، تصور ابتدایی این بود که این گروه‌ها از پس جنگ بر می‌آیند و نیازی به این کار

نباشد که ایران به حمایت از آنها برخیزد اما از همان زمان مشخص شد که اسرائیلی‌ها این عملیات را زمینه‌ای دیدند که مجموعه زنجیره آتشی که اسرائیلی‌ها مدعی هستند جمهوری اسلامی در اطراف آنها ایجاد کرده است، از هم بپاشند. این گروه‌ها به عنوان متحد ایران به نوعی نقش بازدارندگی در مقابل اسرائیل بازی می‌کردند. وقتی این جنگ از غزه فراتر رفت و حمله به لبنان و سوریه آغاز شد و در سوریه به مراکزی که نیروهای ایرانی در آن مستقر بودند حمله شد، یعنی حمله به کنسول‌گری ایران و ترور مستشارهای ارشد ایرانی در سوریه و حتی عملیات در تهران و ترور اسماعیل عنیه، رهبر حماس، ایران به ناچار باید وارد عمل می‌شد. اگر ایران وارد عمل نمی‌شد، اینگونه برداشتم می‌شد که ایران گروه‌های متحدش را قربانی و رها کرده است. مجموعه این وقایع به شکلی رخ داد که معلوم بود پای ایران به این درگیری باز می‌شود، مگر اینکه جایی جلوی درگیری گرفته می‌شد، که این اتفاق رخ نداد، چراکه نتانیاهو هیچ عزمی برای توقف جنگ ندارد و می‌خواهد آن را ادامه بدهد.

آیا شما این واقعه را اجتناب‌ناپذیر می‌دانید و معتقدید که بالاخره پای ایران به جنگ باز می‌شود؟ آیا نمی‌شد به شکلی عمل کرد که این اتفاق رخ ندهد؟

با توجه به نگاه و سیاست ایران، این اتفاق اجتناب‌ناپذیر بود. اگر ایران در برهه‌ای نگاه خود را تغییر می‌داد، ناگزیر نبود.

در آن مدتی که جنگ آغاز شد و تا پیش از آغاز رویارویی ایران و اسرائیل آیا فرصتی بود که ایران در رویکرد خود تغییر بنیادین ایجاد کند؟

در برهه‌های مختلفی فرصت وجود داشت که چنین تغییری ایجاد شود. ایران به هر حال بازیگری است که در چندین کشور متحدانی دارد و متحدانش در این کشورها حاکمان این کشورها را به نوعی می‌ترسانند. این متحدان ابزارهایی بودند که اگر تهران می‌خواست دنبال یک راه‌حل جامع برود، می‌شد پای میز مذاکره از آنها استفاده‌هایی کرد. چنین راه‌حلی مستلزم این بود که تهران از داعیه نابودکردن اسرائیل عدول کند. ایران چون نتوانست از این اصل عدول کند، در نتیجه بقیه خدادادها اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

امروز که این اتفاق افتاده است و ایران مستقیماً با اسرائیل وارد درگیری شده است، هدف اسرائیل بر خورد مستقیم با ایران به لحاظ نظامی نیست. تلاش این است که ایران را از حضور در پیرامون اسرائیل، دخالت در مسائل منطقه و کمک به نیروهای متحدش در اطراف اسرائیل باز دارد. اگر چنین اتفاقی رخ دهد و اسرائیلی‌ها فکر کنند که خواسته‌هایشان را عملی کرده‌اند و آن گروه‌ها دیگر خطری برای اسرائیل نیستند، آنگاه سراغ بحث‌های موشکی ایران و پرونده هسته‌ای می‌آیند. برای جمهوری اسلامی هم مشخص است که اگر امروز کناره‌گیری کند، ممکن است که متحدانش را در اطراف اسرائیل از دست بدهد و در مرحله بعد اسرائیلی‌ها مستقیماً سراغ ایران بیایند. بنابراین ایران خود را در شرایطی می‌بیند که مجبور است در مسائل دخالت کند و زمانی که ایران دخالت می‌کند، دوباره خودش مستقیم درگیر می‌شود. این شرایط ناگزیر است، مگر اینکه ایران تصمیم بگیرد این خواسته‌ها را نه با ابزار نظامی، بلکه با ابزار دیپلماتیک پیش ببرد، یعنی طرح دیپلماتیک مشخصی را در همکاری با چین، روسیه و اروپا و حتی آمریکایی‌ها به کار بگیرد، چراکه همه این قدرت‌ها از قضا در این موضوع خاص خیلی تضاد منافع‌ی ندارند و هیچ‌یک از آنها علاقه‌ای ندارند به تشنج

دامن برزنند و به شکلی دخالت کنند که وضع موجود ادامه پیدا کند. در واقع همه علاقه‌مندند که وضع جاری تغییر نکند. اینکه بعدها این قدرت‌ها بنا به اقتضای منافع تصمیم بگیرند به یک طرف نزدیک بشوند و یا از طرفی دور بشوند، مسائلی است که مربوط به آینده می‌شود اما در حال حاضر یا سکوت کرده‌اند، یا پیشنهاد میناجی‌گری می‌کنند یا مثل اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها در دل ماجرا می‌زنند تا بتوانند راه‌حلی را پیدا کنند. اگر ایران با این جریان همراه شود، ممکن است که بتواند امتیازهایی را به دست بیاورد...

چه چیزی از دست می‌دهد؟ چون در چنین فرآیندی حزب‌الله مجبور به عقب‌نشینی از مرز می‌شود...

خب بله...

و اگر حزب‌الله عقب‌نشینی کند، تازه مشکلاتش در داخل لبنان آغاز می‌شود.

باید ببینیم اساساً حزب‌الله با استمرار این وضعیت، چقدر توان ایستادگی در مقابل ماشین جنگی اسرائیل را دارد که مرتباً هم تقویت می‌شود. اسرائیل مستمراً از حامیانش تسلیحات دریافت می‌کند، در حالی که جلوی رسیدن تسلیحات به حزب‌الله گرفته شده است اگر حزب‌الله فکر می‌کند که در این شرایط می‌تواند مقاومت کند، آنگاه شاید بتوان گفت که برای حفظ مواضعش می‌تواند کارهایی بکند. اما اگر چنین کاری شدنی نباشد، اگر حزب‌الله بخواهد تا آخرین نفر ایستادگی کند، آنگاه نقش سیاسی حزب‌الله دچار مشکل جدی خواهد شد. جنوب لبنان در حال خالی شدن از سکنه است، مردم ضاحیه جنوب بیروت و مناطقی مثل صور و نبطیه و مناطق دیگر آواره شده‌اند و خیلی از آنها به مناطق دیگر کوچ کرده‌اند و حتی بخشی از آنها ممکن است به سوریه پناهنده شوند. اساساً حزب‌الله به شکل تاریخی بر اساس حضور این مردم در این مناطق جنوب لبنان بود که نقش سیاسی و قدرت سیاسی در لبنان به دست آورده بود، اگر این شهروندان نباشند دیگر حزب‌الله در پارلمان هم نمی‌تواند نماینده داشته باشد. بدون حضور این مردم در جنوب لبنان، وضعیت به طور کلی تغییر می‌کند و جغرافیای جمعیتی لبنان عوض می‌شود. در چنین شرایطی مسیحیان و اهل سنت اکثریت مطلق پیدا می‌کنند و شیعیان محدود می‌شوند. اگر حزب‌الله نگاه درازمدت‌تری داشته باشد، مشخص است که حفظ این جمعیت اهمیت بسیاری دارد. الان شاید این فرصت وجود داشته باشد که حزب‌الله بتواند با پیدا کردن راهی برای خروج از جنگ، آینده سیاسی خودش را نجات دهد. حتی برای حماس هم هنوز ممکن است فرصتی وجود داشته باشد که آینده سیاسی خود را تضمین کند. بخشی از رهبران حماس، از جمله موسی ابومرزوق به مسکو متوسل شده‌اند که به تشکیلات خودگردان فلسطینی و محمود عباس فشار بیاورند که حماس هم در دولت وحدت ملی فلسطین نفوذ داشته باشد.

طرفه اینکه با ورود طرف‌ها به راهکار دیپلماتیک، چیزی در میدان از دست نمی‌رود و حتی ممکن است دستاوردهای بیشتری هم به دست بیاید، چیزی که ممکن است از دست برود، آن ایدئولوژی و مانع‌فکری است که جلوی ورود به ساز و کار دیپلماتیک را می‌گیرد.

چیزی که من از صحبت‌های شما درک کردم این است که هیچ‌یک از گزینه‌هایی که در مقابل ایران قرار گرفته است، گزینه‌های مطلوبی نیستند و همه آنها از نگاه جمهوری اسلامی بد است و اگر قرار باشد هر